

فروشگاه ، بزرگترین سایت تخصصی معماری

جهت مشاهده آموزش نرم افزارهای معماری از صفر تا ۱۰۰ با زبان فارسی و با

کمترین هزینه [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت مشاهده نقشه ها ، پایان نامه و طرح های نهایی آماده معماری جهت کانسپت

گرفتن و یا تحویل پروژه [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت مشاهده مقالات ، رسالات و مطالعات نهایی آماده معماری جهت تحویل

پروژه [اینجا](#) را کلیک کنید.

بزرگترین سایت تخصصی معماری WWW.CADYAR.COM

جهت عضویت در کانال ما در تلگرام کافیسیت روی عکس زیر کلیک کنید.

برای انجام پروژه های عمران و معماری با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰



آیدی تلگرام

<https://t.me/Cadyar>

آیدی تلگرام

<https://t.me/Cadyarmemar>

Vrya.cadyar@gmail.com

جهت مشاهده مطالب زیر به صورت رایگان کافیسیت روی لینک روبرو عنوان موردنظر کلیک کنید

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=473](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=473)

دانلود کتب معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=262](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=262)

آموزش رایگان پست پروداکشن در معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1377](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1377)

دانلود مقالات معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=206](http://www.cadyar.com/?cat=206)

دانلود نقشه های معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1300](http://www.cadyar.com/?cat=1300)

دانلود رساله و مطالعات معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=283](http://www.cadyar.com/?cat=283)

آموزش رایگان نرم افزار های معماری

جهت مشاهده مطالب کاربران مهمان که مطالب خود را به صورت رایگان و یا در قبال هزینه به اشتراک گذاشته اند در سایت کدیار [اینجا](#) کلیک کنید.

شما نیز میتوانید مطالب خود را در سایت کدیار به اشتراک بگذارید تا بدون هیچ هزینه ای صاحب شغل دوم شوید.

جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات معماری با قیمت پایین با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰

قسمتی از کامل ترین رساله طراحی خانه هنرمندان در ۹۸ صفحه در قالب ورد:

فصل اول

(مطالعات پایه)

هنر چیست؟ آیا افیون روح بشر است؟ یا تجمل زندگی است؟ آیا بازیچه ای است که طفلان خدا را به خود مشغول می دارد و به سان لباس عید، هر نوبهاری دگرگون می شود و روح این کودکان خداوند را از مسرتی عمیق می آکند؟ یا مضر، دام نامرئی زندگی است که بر گردن بشر افتاده است و زندگی این دام را تعبیه کرده است تا بشر را به خود بخواند و همواره او را وابسته و دلبسته خود نگاه دارد؟ . . . آیا یک نوع بیماری روحی است که تغییر شکل یافته یا انعکاس زندگی است؟ آیا تقلید طبیعت است یا انعکاس درون هنرمند و یا شاید زندگی از دریچه چشم برگزیدگان است؟ و اما واقعاً هنر چیست؟

برای گشودن گره از مشکل تعریف هنر و چیستی آن به چند تعریف ارائه شده اشاره می کنیم :

هنر کوششی است برای آفرینش صور لذت بخش و یا خلق زیبایی .

هنر عبارت است از انعکاس تجارب هنرسل ، طبق قواعد و شرایط زمان و مکان و یا به عبارت دیگر ، هنر ترجمان زندگی ، یا بیان زندگی از نقطه نظری خاص است .

هنر تقلید انعکاس صرف جهان و طبیعت است . یعنی آینه ای است که به دست هنرمند پیش روی جهان ایستاده و آن را عیناً منعکس می سازد .

هنر عبارت است از ضبط یا بیان زیبایی هایی که ضمیر هنرمند از جهان دریافته و از آن لذت برده است .

... و

مرحله خلق یا ایجاد یا ابداع ، مهمترین مراحل هنر است . دنیا و اشیاء جهان در برابر حواس هنرمند قرار گرفته است . از هر نغمه ای ، از نظر اندازی ، از هر رنگ و شکلی ، از هر حرکت و تاثیر و تاثیری فریاد تمنا بلند است که «مارا جاودان ساز» . حالتی خاص در برابر جهان و اشیاء جهان به هنرمند دست می دهد .

پس هنر ، خلق خود را بیشتر مرهون هنرمند است که در زمان معین در اوضاع و شرایط خاص محیط ، زندگی می کند . طبیعت ، خود به تنهایی گره ای از کار هنرمند نمی گشاید، هر چند هنرمند نیز به نوبه خویش دور مانده از طبیعت و جهان و زندگی ، کاری از پیش نمی برد .

اما در مرحله خلق هنری ، دید خاص هنرمند ، حتی از موضوع و «بدل» نیز مهم تر است . زیرا همین دید خاص است که باعث می شود درباره موضوع واحد ، از هر زبانی سخنی تزه و غیر مکرر بشنویم . در حقیقت فرق میان طبیعت با

هنر در این است که طبیعت آن چه را دارد بی محابا و به رایگان در معرض نمایش قرار می دهد ، به همه چیز نظر یکسان دارد و بی اعتنا است . آفتاب نور خود را به سان نورافکنی که در صحنه تماشاخانه ای به کار می رود مخصوصاً متوجه قهرمان ها ، آمرزیده ها یا نفرین شده ها نمی کند .

در تاریخ هنر و در علم زیبایی شناسی ، صرفاً از هنرهای زیبا و ظریف بحث می شود که هدف آن ها زیبایی است . اما هنرهای مفید که از آنها فایده ای و سودی منظور است و زیبایی های آن ها در درجه دوم اهمیت قرار دارد و بدان نسبت است که از فایده نکاهد - چندان مورد توجه قرار نمی گیرد . هنرهای مفید را میتوان صنعت نام نهاد .

هنرهای زیبا را معمولاً به دو دسته تقسیم می کنند هنرهایی مانند شعر، موسیقی، نقاشی، معماری و رقص را جزء هنرهای زیبا به شمار آورد .

۱- هنرهای پلاستیک که مربوط به قوه باصره اند ، مانند نقاشی - معماری - حجاری - رقص - سینما - تاتر .

۲- هنرهای فونیه تیک که مربوط به سامعه اند و شامل شعر و موسیقی و ادبیات هستند .

البته تقسیم بندی فوق قطعی نیست چون در حقیقت بیشتر هنرها ، در آن واحد ، مربوط به هر دو حس سامعه و بصره می گردند .

تعریف هنر بطور کلی، بر هر یک از هنرها با جزئی تغییر قابل انطباق است . چنانکه می توان گفت هنر ادبیات و شعر ، هنر خلق زیبایی به وسیله کلمات است . هنر موسیقی خلق زیبایی به وسیله اصوات است و شاید جزء کهن ترین هنرها از میان هنرهای هفتگانه باشد و هنر نقاشی خلق زیبایی به مدد خطوط و رنگهای متناسب است . حجاری و معماری و مجسمه سازی نیز هنر خلق زیبایی در احجام است . اما شرایط این تعریف این است که حالت و احساس خاصی که گفته شد ، در اثر هنری بدرخشد و به بیننده و شنونده منتقل گردد و همین حالت و احساس است که هنرها را از آثار مشابه آن ها ممتاز می سازد . ساختمان معابد و کلیساها و مساجد ، اهرام مصر ، قبر سرباز گمنام و بناهایی از این قبیل ، مبین احساساتی از قبیل عظمت ، ترحم ، عدالت ، راز مرگ ، احترام به کشته شدگان گمنام است و همین حالات خاص ، معماری را جزء هنرهای زیبا قرار می دهد و با این حالات است که معماری هنری ، از ساختمان خانه های ارزان قیمت مثلاً امتیاز می یابد .

سرآمد همه هنرها تاتر است که از تلفیق و ترکیب هم آهنگ هنرهای دیگر بوجود می آید . یعنی معماری و حجاری و نقاشی و ادبیات و غالباً موسیقی را به خدمت می گیرد . سینما و باله و اپرا نیز از هنرهای ترکیبی و پیچیده اند . نهایت در سینما جنبه فن و صنعت (تکنیک) به همان اندازه جنبه هنری ارزش دارد مهم است .

سفالگری نیز هم ساده ترین و هم جزو دشوارترین هنرهاست . ساده ترین از آن جهت که بدوی ترین هنرهاست ، و دشوارترین از آن جهت که انتزاعی ترین هنرهاست . از لحاظ تاریخی نیز در شمار قدیمی ترین هنرها قرار دارد . سفالگری هنر خالص است . هنری است که از قید هر گونه غرض تقلید کردن آزاد است . پیکر سازی ، که سفالگری بیش از هر چیزی به آن مربوط است، از ابتدا غرض تقلیدی داشته است ، و شاید به همان اندازه که چنین غرضی داشته کمتر از سفالگری تجلی آزادانه اراده معطوف به صورت بوده است . سفالگری انتزاعی ترین جوهر هنرهای تجسمی است .

با تمام تعاریفی که در بالا از انواع هنرها بیان شد لازم است بدانیم که در دین مبین اسلام خطاطی جزو مقدس ترین هنرها به حساب می آید و در دین مسیحیت نقاشی از ارزش والایی برخوردار است .

هنر ، یک فعالیت انسانی و عبارت از این است که : انسانی آگاهانه و یاری علائم مشخصه ظاهری (حرکات و اشارات و خطها و رنگها و صداها و نقشها و کلمات) ، احساساتی را که خود تجربه کرده است به دیگران انتقال دهد ، به طوریکه این احساسات به ایشان سرایت کند و آنها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از همان مراحل حسی که او گذشته است بگذرند .

یا بطور کلی میتوان گفت که : فعالیت هنری عبارتست از فعالیتی که منجر به خلق اثری شود که افزون بر کارکردهای نخستین و اولیه پیام یا کارکردی خاص در زمینه انتقال مفاهیم ، آرمانها و خواسته ها داشته باشد .

هنر چنانکه متافیزیسیستها می گویند، تجلی هیچ تصور مرموز، تجلی زیبایی یا خداوند نیست، هنر، چنانچه زیبایی شناسان فیزیولوژیست عقیده دارند ، «بازی» نیست که در آن انسان به مازاد انرژی متراکم خویش میدان می دهند ، هنر تظاهر احساسات سرکش که با علائم ظاهری جلوه گر شده باد نیست ، هنر تولید موضوعات دلپذیر نیست ، مهمتر از همه لذت نیست ، بلکه وسیله ارتباط انسانهاست ، برای حیات بشر و برای سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی، موضوعی ضروری و لازم است ، زیرا افراد بشر را با احساساتی یکسان ، به یکدیگر پیوند می دهد.

طبقه بندی هنر از دیدگاه نیوتون :

۱- هنرهایی که اشیاء فیزیکی و ملموس تولید می کنند مانند معماری .

۲- هنرهایی که طبیعت را یاری می کنند مانند طبابت و زراعت .

۳- هنرهایی که از طبیعت تقلید می کنند مانند نقاشی و مجسمه سازی .

۴- هنرهایی که فعالیت ذهنی انسان را تقویت می کنند مانند سخنوری و شعر.

۵- هنرهایی که کاملاً ذهنی هستند مانند هندسه .

- طبقه بندی هنر از دیدگاه هگل بر اساس سبک :

۱- سمبولیک

۲- کلاسیک

۳- رمانتیک

همچنین هنر را می توان از لحاظ کاربرد - شکل - محتوا و یا بستر اجتماعی تقسیم بندی نمود که در ذیل به آنها اشاره می کنیم :

انواع هنر از لحاظ شکل:

تجسمی .

آوایی مانند موسیقی و آواز .

ترکیبی مانند تاتر و سینما .

انواع هنر از لحاظ محتوا:

مقدس .

سستی مانند قالی بافی و سفالگری .

مدرن .

انواع هنر از لحاظ کاربرد:

آیینی مانند رقص در آیین بودا .

مستقل مانند قالی بافی ، فلز کاری .

محض .

انواع هنر از لحاظ بستر اجتماعی :

شهری - ملی مانند مینیاتور .

روستایی - منطقه ای مانند گلیم .

گروهی .

فردی .

۱-۲- تاریخچه هنر

هدف تاریخ هنر عبارت است از شناخت و ارزیابی هنر ، از هر زمان و مکانی که آمده باشد و با هر دستی که ساخته شده باشد در خارج از عرصه فرهنگ ، دو اصطلاح هنر و تاریخ این چنین تنگاتنگ در کنار یکدیگر قرار نمی گیرند . مردم غالباً تاریخ را سند و تفسیر کارهای گذشته (بویژه سیاسی) انسان ، و هنر را - بدرستی - چیزی موجود در برابر قوای بینایی و لامسه می پندارند ، که البته رویدادهای از یاد رفته و محو شده ای که اجزای تشکیل دهنده تاریخ به شمار می روند چنین نیستند . واقعیت این است که اثر هنری ، به دلیل مرئی و ملموس بودنش ، گونه ای رویداد پایداری کننده است . این اثر در زمان و مکانی خاص و به دست اشخاصی خاص آفریده شده است ، حتی اگر ما همیشه آگاهی درستی درباره زمان و مکان و آفریننده آن نداشته باشیم . این اثر با آن که آفریده ای متعلق به روزگاران سپری شده است ، در زمان حال به حمایتش ادامه می دهد و تا مدتهای طولانی پس از روزگار خویش باقی می ماند ، شارلمانی هزار سال پیش مرده است ولی نمازخانه اش در آخر پابرجاست .

۱-۳- مبانی تاریخ هنر

زمان آفرینش هر اثر هنری، پیوندی فشرده با شکل ظاهر آن یا در یک کلام با سبک آن دارد. به بیان دیگر، سبک هر اثر هنری تابعی از دور تاریخی آن اثر است. تاریخ نگاری هنر با تفکیک آثار متعلق به معماری، پیکر تراشی، نقاشی به چندین سبک بر پایه شباهتهای موجود میان آنها و زمان با دوره های آفرینش آنها به حیات خویش، ادامه می دهد. مطابق یکی از فرصتهای بنیادی تاریخ هنر، آثاری که در یک زمان (والبته در یک مکان) آفریده شده باشد، عموماً دارای ویژگیهای سبک واحدی خواهند بود. البته کل تاریخ نگاری بر این اعتقاد است که ماهست رویدادها از همان زمانی نشات می گیرد که در آن به وقوع می پیوندد (و شاید از «مردان بزرگ» شان که خود محصول زمانه اند): بدین ترتیب می توانیم از عصر پریکلس، عصر خرد یا حتی به تقلید از عنوان یک کتاب جدید - از عصر روزولت سخن بگوئیم. همچنین اگر بخواهیم از معنی یک اثر هنری یا علت آفرینش آن سر در آوریم باید از زمان آفرینش آن با خبر گردیم. حال اگر اثر هنری از دوران گذشته تا کنون پایداری کرده و در برابر دیدگان ما قرار داشته باشد، آیا همان کافی نیست؟ آیا این اثر به دلیل ماندگاریش به یک معنی، مستقل از زمان نیست؟ آیا یک اثر هنری، تا زمانی که دوام می آورد نمی تواند انسانهای همه دورانها را مخاطب خویش قرار دهد؟ کلید پاسخ به این پرسش، واژه «مخاطب قرار دادن» یا «سخن گرفتن» است. در واقع، اثر مزبور می تواند با انسانها سخن بگوید، اما به چه زبانی؟ این اثر در سخنش با ما، چه می گوید؟ هنر می تواند چیزی بیش از یک نوع ارتباط باشد، ولی مسلماً نوعی ارتباط است، و یاد گرفتن «زبانهای» هنر دورانهای بسیار گوناگون به شکلی که در یادمان های مربوط به دوره های خاصشان مجسم شده اند وظیفه تاریخ هنر است. می توانیم چنین فرض کنیم که هنرمندان هر عصری، در آثارشان، مفهومی را بیان می کرده اند که به گونه ای برای خود ایشان و دیگران قابل درک بوده است.

مفهوم مزبور را فقط در صورتی می توانیم درک کنیم که اثر مجسم کننده اش را با دیگر آثار مشابهی که تقریباً در همان زمان آفریده شده باشند مقایسه کنیم. برای آثاری که بدین طریق طبقه بندی می شوند می توانیم به گونه ای اشتراک معنی و شکل قائل شویم، در چنین حالتی است که حدود این یا آن سبک را مشخص می کنیم. در سلسله آثاری که به ترتیب تاریخی از پی هم آفریده شده و دارای ویژگی های مشترکی از لحاظ سبک باشند، میتوان به وجود پاره ای تفاوتها در سبک آنها نیز پی برد. مورخ هنر این پدیده را بازتابی از یک تکامل تدریجی یا پیشرفت کیفی می داند.

تردیدی نیست که پیش از انساب چگونگی تکامل سبک باید مطمئن شویم که توالی یا ترتیب تاریخی، درست تشخیص داده شده و تاریخ آفرینش هر اثری به درستی تعیین شده است، بدون این اطمینان، نظم و قابلیت درک هنری - تاریخی ناممکن می شود. بدین سان، یکی از ابزارهای ضروری در کار مورخ هنر، زمان تاریخی یعنی مقیاس اندازه گیری زمان

تاریخی است. بدون این زمان تاریخی، چیزی به نام تاریخ سبک نمی تواند وجود داشته باشد بلکه فقط ملغمه ای از اشیاء غیر قابل طبقه بندی و غیر قابل توصیف در هر زنجیره تحولی در برابر مان وجود خواهد داشت.

فهرست مطالب این بررسی اساساً بازتابی از رشته یا سلسله ای از «دوره ها» و «زیردوره ها»یی است که به ترتیب تاریخی از پی هم می آیند و گونه ای توالی تاریخی پدید می آورند که توالی سبکهای هنر را نیز در بر می گیرد. تاریخ هنر تا اواخر سده هجدهم، عملاً، گزارشی از هم گسسته درباره زندگی و آثار هنرمندان منفرد بود ولی ما امروزه تاریخ هنر را گزارشی از تغییر پویایی سبکها در مسیر زمان، و هنر استادان منفرد را «زیر سبکهایی» از سبکهای بزرگ هر دوره در نظر می گیریم. با آنکه ما از «تغییر» در تاریخ هنر صحبت می کنیم، بدون تردید خود آثار و اشیاء هنری تغییری نمی کنند، بلکه همچنان که پیشتر گفته ایم این آثار پایداری می کنند و ماندگار می شوند، البته هر یک از اینها در جریان زمان دستخوش گونه ای کاهش یا فرسایش تدریجی می شوند. دلیل همین که می بینیم آثار هنری متعلق به دوره های دیگر تفاوت دارند ما را به این نتیجه می رساند که چیزی دستخوش تغییر می شود. این چیز فقط می تواند دیدگاههای انسانها یا آفرینندگان آثار هنری نسبت به معنای زندگی و هنر باشد. تاریخ نگاری معاصر شدیداً تحت تاثیر فلسفه های جدید تغییر و تکامل تدریجی قرار دارد، و با توجه به وضع و دستاوردهای علوم زیستی می توان گفت که تاریخ معاصر هنر راهی جز کمک گرفتن از مفهوم روند پیوسته برای تبیین تغییر تاریخی هنر نداشته است.

در تاریخ هنر نیز مانند علوم و دیگر رشته های تاریخی، به محض آنکه موضوعی را طبقه بندی کرده ایم به مراتب بر اطلاعاتمان درباره آن چیز افزوده شده است. مورخان هنر پس از انجام دادن این کار به جهانگردان مجربی شباهت پیدا می کنند که طرز باز شناختن «سبکهای» مختلف متعلق به جاها یا نقاط مختلف را یاد می گیرند. این جهانگردان می دانند که شخص نباید انتظار برخورد با شیوه زندگی واحدی در جنگلهای مین و باریکه ساحلی ریویر را داشته باشد، و پس از سیر در آفاق و انفس - همچون مورخان هنر که انبوهی از یادمانهای هنری را می شناسند - نه فقط این جاها و ملتها را با خود بیگانه نمی پندارند بلکه می توان گفت که اینها را به درستی می شناسند و درکشان می کنند. همگام با گسترش تجربه ایشان، بر قدرت تشخیص و شناخت تفاوت های متمایز کننده شان نیز افزوده می شود. همچنان که جهانگردان به این نتیجه می رسند که موقعیت جغرافیایی هر شهر نقش بزرگی در ارتقای کیفیت و جذابیت آن دارد، پژوهندگان هنر نیز چون هنر را در ابعاد تاریخی اش مورد بررسی قرار میدهند، متقاعد می شوند که اهمیت، کیفیت و جذابیت ویژه هر اثر هنری تابعی از زمان آفرینش آن است.

ولی آیا «جای شناسی» تاریخی اثر هنری، که اینچنین آشکارا و ملموس در همه جا حضور دارد، موضوعی بی ربط با درک آن نیست؟ و آیا اطلاعات هنری - تاریخی درباره یک اثر هنری، چیزی متفاوت با تجربه مستقیم آن نیست؟

لازمه پاسخگویی به این پرسشها توجه به این نکته است که مشتاقان ناآموخته، با همه صمیمیتی که دارند، با پیش فرضهای زیبایی شناختی روزگار خودشان به اثر هنری می نگرند تا با پیش فرضهای روزگار آفرینش خود آن اثر. به همین علت، پیش فرضهای ایشان می توانند در حکم پاره ای پیش داوریها باشند، به طوری که شناخت ایشان، حتی اگر اصیل باشد ممکن است بر دلایلی غلط استوار گردیده باشد، به بیان دقیقتر، شناخت ایشان فاقد بصیرت و قدرت تشخیص خواهد بود، به طوری که ممکن است دهها اثر هنری را با یک نظر بنگرند و به اندازه یک نوک سوزن نیز متوجه ارزش و کیفیت خاص تک تک آنها نشوند. بدین ترتیب، همچنان که هر اثر هنری برای بینندگان خاص در زمان و مکانی خاص آفریده می شود، هدف آن نیز ممکن است خاص باشد، و ضرورتاً جزئی از معنی اش گردد. مثلاً تابلوی مریم ولادیمیریک شمایل بیزانسی - روسی و نوعی از آفریده های هنر است که نه به عنوان اثری متعلق به «هنرهای زیبا» بلکه بیشتر به عنوان شیئی مقدس و دارای نیروی دینی - جادویی تولید می شد. گذشته از این، شمایل مزبور مخصوصاً یگانه تصویر مقدس در روسیه پنداشته می شد که به طرز معجزه آسایی شهر ولادیمیر را از یورش سپاهیان تیمور لنگ، شهر قازان را از یورشهای بعدی تاتارها، و سراسر روسیه را از یورشهای لهستانیها در سده هفدهم نجات داد.

ممکن است ما این تابلو را به دلیل زیبایی ماهوی خط، شکل و رنگ، گویایی و مهارتی که در ساختنش به کار رفته است بستاییم، ولی تا زمانی که از نقش تاریخی ویژه اش به عنوان شمایلی معجزه گر اطلاع نداشته باشیم نمی توانیم به کنه آن پی ببریم. می توانیم بسیاری از آثار هنری را به دلیل کیفیت، شکل و مضمون شان بستاییم، ولی برای این کار به تجربه ای بیشتر در زمینه تشخیص این ویژگی ها نیازمندیم، در غیر اینصورت، به ستایش از آثاری برخاسته ایم که چیزی از تفاوتهای کیفی موجود میان آنها سر در نمی آوریم. در چنین حالتی دچار آشفتگی می شویم و قضاوتمان نادرست می شود.

با آنکه روش بنیادی طبقه بندی اثر هنری بر تشخیص زمان آفرینش آنها استوار است، طبقه بندی بر حسب مکان آفرینش نیز اهمیت دارد. در بسیاری از دوره ها یک سبک عمومی مانند سبک گوتیک، گونه های منطقه ای بسیار متفاوتی پیدا می کند، معماری گوتیک فرانسه، تفاوتهایی چشمگیر با معمار گوتیک انگلیسی و ایتالیایی دارد. تفاوتهای موجود میان آب و هوای این کشورها گوتیک فرانسوی را به یک معماری فاقد دیوارهای حایل (و دارای فضاهایی برای پنجره هایی با شیشه های رنگی) و گوتیک ایتالیایی را به یک معماری آفریننده دیوارهای بزرگ و پهناور و فوق العاده مناسب برای نقاشیهای دیواری تبدیل کرد. بنابراین، تاریخ هنر، به انتشار و اشاعه یک سبک از نقطه پیدایش آن نیز توجه دارد. بدین سان، تکمیل کردن زمان آفرینش با مکان آفرینش، بعد دیگری بر تصویر یادمانهای هنری در روند تکامل سبکها می افزاید.

البته هنرمند بعد سوم را در تاریخ هنر تشکیل می دهد. همچنان که گفته شد نخستین «تاریخهای هنر» که پیش از ظهور مفاهیم امروزی سبک و تکامل سبکها نوشته می شدند، چیزی جز زندگینامه های تک تک هنرمندان نبودند. زندگینامه به عنوان یک بعد، همچنان اهمیت دارد و با مطالعه آن می توانیم تکامل سبکها را در جریان زندگی هنری هنرمندان ردیابی کنیم. از منابع همزمان تاریخی، اسنادی چون قراردادهای اجرای ماموریتهای هنری و نوشته های نظری و یادگارهای ادبی خود هنرمندان نیز می توانیم اطلاعات بسیاری به دست آوریم. تمامی اینها در تبیین آثار ایشان به کار می آید، هر چند بدون تردید، هیچ «تبیین» کاملی معنی تمام این آثار را نمی رساند. رابطه هنرمندان با اسلاف، همعصران، و پیروانشان با عبارات تاثیر و مکتب قبل توصیف هستند. همه هنرمندان به احتمال قوی تحت تاثیر استادان خویش بوده اند، و پس از ایشان بر شاگردان خویش که تقریباً با همان سبک و در همان زمان و مکان کار می کرده اند تاثیر گذارده اند یا از ایشان تاثیر گرفته اند. ما گروهی از این گونه هنرمندان را با واژه مکتب مشخص میکنیم و منظورمان از این واژه اشاره به یک فرهنگستان نیست بلکه گونه ای طبقه بندی بر اساس زمان - مکان - سبک است و بدین ترتیب می توانیم از مکتب هلندی در سده هفدهم، و در دوران آن از «زیرمکتبهای» مانند اوترخت و لیدن سخن به میان آوریم.

۱-۳-۲- پیکرنگاری :

بدین سان مقولات زمان و مکان، زندگی هنرمند، تاثیرات و مکتبها تماماً در ترکیب بندی تصویر یا منظره تکامل سبکها به کار گرفته می شوند. گونه دیگری از طبقه بندی، یا گونه دیگری از کلید شناخت آثار هنری، پیکرنگاری - مطالعه موضوع و نوع نماد پردازی مورد استفاده در آثار هنری است. در این روشها نقاشیها و پیکرها بر حسب موضوع شان گروه بندی می شوند نه بر حسب سبک شان، و تکامل موضوع آثار مزبور شدیداً مورد توجه قرار می گیرد. مطالعات پیکرنگارانه در تحلیل سبکها نقشی فرعی دارند زیرا غالباً در ردیابی مسیر تاثیرگذارها و تعیین تاریخ و محل آفرینش آثار به کار گرفته می شوند.

۱-۳-۳- زمینه تاریخی :

وسیله یا سرچشمه بسیار گسترده بعدی برای شناخت اثر هنری، در خارج از قلمرو هنر قرار دارد ولی آن را محاصره کرده است و کنش و واکنشی پیوسته میانشان جریان دارد. این سرچشمه، زمینه عام تاریخی یا اوضاع سیاسی،

اجتماعی ، اقتصادی ، علمی ، فنی ، معنوی است که با رویدادهای اخص مربوط به تاریخ هنر همراه است و بر آنها تاثیر می گذرد . سقوط رم ، پیدایش مسیحیت ، و یورشهای بربرها تماماً بر تحولات سبکهای معماری ، پیکرتراشی و نقاشی در نخستین سده های پس از استقرار مسیحیت تاثیر گذارده اند . پیروزی علم و تکنولوژی شدیداً بر تحول عظیم سنتهای رنسانس که در هنر مدرن و هنر روزگار خود ما به وقوع می پیوندد تاثیر گذارده است . وظیفه هنر ، این رویداد مستمر بر روی هم آنست که در حکم یک سند تاریخی متجلی شود .

۱-۳-۴- اثر هنری :

اثر هنری ، یک شیء و در همان حال یک رویداد تاریخی است ما برای توصیف و تحلیل این اثر ، از مقولات و واژگانی بهره می گیریم که کم و بیش پذیرفته شده اند.

۱-۳-۵- در معماری :

آثار معماری تا چنان پایه ای به جزیی از محیط زندگی روزمره ما تبدیل شده اند که در نظر ما به صورت موهبتی طبیعی تلقی می شوند ، و تا زمانی که کسی ما را به تماشای آنه فرا نخواند به ندرت متوجه شان می شویم . مردم از هزاران سال پیش با چگونگی محصور کردن فضایی خاص برای انجام دادن کارهای گوناگون زندگی خویش آشنا بوده اند . در میان تمام هنرها فقط در هنر معماری است که مساله فضا بیش از هر جنبه ای توجه ما را به خود جلب می کند .

مهندس معمار (آرشیئتکت) فضاهای محصور و بدنه های دیواره های محصور کننده را گروه بندی می کند و همواره کارکرد بنا، طرز ساختمان و مصالح آن ، و البته طرح یعنی عامل پیوند دهنده دو عنصر دیگر را ، نیز در نظر می گیرد . ما برای آنکه معماری را تجربه کنیم یا به تماشایش می رویم یا در درون و اطرافش حرکت می کنیم ، به طوریکه فضا و بدنه هنر یا بنای معماری را یکجا حس و درک می کنیم . نمایش جداگانه فضا و بدنه در ساختمان ، به شیوه های خطی گوناگون صورت می گیرد ، روشهای اصلی به قرار زیر هستند :

۱-۳-۵-۱- پلان :

یا نقشه ساختمانی ، نقشه سطح کف بنا است . طرز قرار گرفتن بدنه ها یا دیواره های یک بنا و فضایی را که دیوارهای مزبور در خود محصور می کنند نشان می دهد.

۱-۳-۵-۲- برش :

مانند نقشه عمودی ، طرز قرار گرفتن دیوارها با بدنه ها را چنانکه گویی بنای مزبور در امتداد یک سطح بریده شده است نشان می دهد (وسط مزبور غالباً یکی از محورهای اصلی بنا بشمار می رود) .

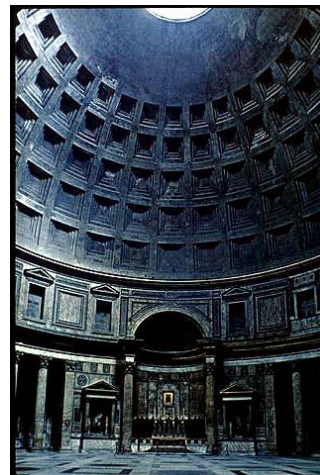
۱-۳-۵-۳- نمای قائم :

تصویر عمودی یک دیوار درونی ی بیرونی است ، مشخصات و دیگر عناصر آن را که در پشت یا جلوی دیوار دیده می شوند نشان می دهد .

واکنش ما در برابر یک بنا می تواند از آرامش خاطر ساده تا شگفتی و احترام آمیخته با ترس در نوسان باشد ، و این واکنشها نتیجه تجربه کارکرد بنا ، طرز ساختمان و طرح آن توسط ما است . ما در برابر بنای یک کلیسا ، تالار ورزش ، و ساختمان اداری ، واکنشهای متفاوتی از خود بروز می دهیم . یک دلیلش این است که برای آنکه بتوانیم ساختمانی را تجربه کنیم باید حرکاتی در درون یا بیرون آن ساختمان انجام دهیم که با حرکات لازم برای تجربه ساختمانی دیگر، تفاوت دارند . این حرکات ، تابع پیوستگی - یا ناپیوستگی - نقشه کف یا طرز قرار گرفتن محورهای آن هستند . مثلاً در یک نقشه متراکم در قسمت مرکزی یا نقشه مرکزی - که از نقطه ای مرکزی انشعاب می گیرد ، مانند معبد پانتئون در رم (تصویر ۱-۲) کل فضای موجود را یکجا مشاهده می کنیم ، حال آن که در نقشه دراز و محوری یک بازیلیکای مسیحی (تصویر ۲-۲)



تصویر (۲-۲) بازیلیکای



تصویر (۱-۲) معبد

سن

، یا یک کلیسای جامع گوتیک (تصویر ۳-۲) ، توجه ما بر نقطه ای معین و ثابت - مذبح انتهای شرقی صحن کلیسا - جلب و متمرکز می شوند .

بدنه و فضا می توانند چنان در هم بافته شوند که تاثیراتی بس بغرنج در بیننده بگذارند ، مانند کلیسای سان لورنزو (تصویر ۴-۲) و یا کلیسای لوکوربوزیه در روشن (تصویر ۵-۲) .



شکل ۲-۵- کلیسای روشن

بدین ترتیب ، تجربه ما از معماری ، از تعداد زیادی عوامل مادی و صوری ، از جمله آموزش و اطلاعات و ساخت ذهنی و روانی مان که در تجربه هر اثر هنری توسط ما دخیل هستند نتیجه خواهد شد.

مهندس معمار باید حسسیت‌های یک پیکرتراش و یک نقاش را داشته باشد و در تدوین نقشه ساختمانی هر بنا نیز باید بتواند از ابزارهای کار یک ریاضیدان بهره گیرد. معماران ضمن حل مسایل ساختمانی همچون - یا همراه با - مهندسانی آشنا به اصول بنیادی کل معماری عمل می کنند. لیکن مسئولیتهای اصلی ایشان به همان شیوه تفسیر برنامه ساختمانی توسط ایشان است. وقتی ما از ساختمانی به عنوان یک کلیسا، بیمارستان، تالار فرودگاه، یا خانه نام می بریم و توصیفش می کنیم به زبان معماران سخن نمی گوئیم. هر ساختمان پیشنهادی، فقط و فقط مسایل خاص خودش - مسائل مربوط به محل ساختمان و فضای اطراف، نیازهای صاحب کار، و مصالح موجود - را همراه با کارکرد آن ساختمان، برای مهندس معمار مطرح می کند. بنابراین، برنامه کار، به چیزی بیش از کارکرد ساختمان مربوط می شود، به بیان دقیق تر، تمام مسایل مجسم شده در هر ساختمان خاص را مخاطب قرار میدهد.

جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات معماری با قیمت پایین با ما

تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰